

فصلنامه علمی برنامه‌ریزی رفاه توسعه اجتماعی، سال یازدهم، شماره ۴۳، تابستان ۱۳۹۹، صفحات ۲۷۸-۲۴۱
نوع مقاله؛ مقاله پژوهشی

توسعه مرز محور و اضمحلال ظرفیت‌ها و فرصت‌های اجتماعات مرزی؛ با تأکید بر نقد بازارچه‌های مرزی (مورد مطالعه: بازارچه‌های مرزی نور شهرستان بانه و خاو و میرآباد شهرستان مریوان)^۱

حسین دانش‌مهر* ، کمال خالق پناه** ، عثمان هدایت***

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۴/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۸/۱۷

چکیده

مفروضه بنیادین پژوهش حاضر این گزاره است که بازارچه‌های مرزی و توسعه وابسته آن، سیاست مناسبی برای توسعه مناطق مرزی نبوده است. روش پژوهش حاضر، روش نظریه زمینه‌ای است که در آن به شرایط زمینه‌ای، علّی و مداخله‌ای، پیامدها و همچنین راهبردها می‌پردازد. ابزار گردآوری داده‌ها مصاحبه نیمه ساخت یافته است که در این راستا با ۴۵ نفر از ذی‌ربطان و ذی‌نفعان به‌عنوان نمونه‌های هدفمند شامل دهیاران، اعضای شوراهای بخش و روستاها، کارشناسان بازارچه‌ها تا مرحله اشباع داده‌ها، گفتگوهای عمیق صورت گرفت. بر اساس منطق روش نظریه زمینه‌ای داده‌ها در سه سطح کدگذاری باز، محوری و گزینشی

۱- این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی با عنوان «ارزیابی ظرفیت‌های اقتصادی و اجتماعی اجتماعات مرزی به منظور تبیین و طراحی بدیل‌های توسعه‌ای با تأکید بر نقد بازارچه‌های مرزی (مورد مطالعه: بازارچه‌های مرزی استان کردستان)» می‌باشد که با حمایت مالی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان کردستان در پژوهشکده کردستان شناسی در سال ۱۳۹۹ انجام گرفته است.

* استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه کردستان، سنندج، ایران (نویسنده مسئول). hdaneshmehr@yahoo.com

** استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه کردستان، سنندج، ایران. kkhaleghpanah@yahoo.com

*** دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصاد و توسعه دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

osmaanhedayat68@gmail.com

استخراج شدند که از تعداد مفاهیم ساخته شده در این مرحله ۱۳۴ مفهوم اولیه، ۱۵ مقوله محوری، ۴ مقوله اصلی و یک مقوله هسته‌ای استخراج شد. مقولات اصلی عبارت‌اند از: کمبود زیرساخت‌های توسعه‌ای، اضمحلال بخش کشاورزی و دامداری و انزوای فرهنگی-اجتماعی و ناکارآمدی در سیاست‌های ترمیمی. تحلیل این مقولات، ما را به مقوله هسته‌ای یعنی طرد نهادی و ساختاری اجتماعات مرزی سوق داد. بر مبنای آن می‌توان نتیجه گرفت که منطق حاکم بر توسعه مرز محور با ارائه بازارچه‌ها به عنوان مهم‌ترین محور توسعه در این مناطق، اجتماعات مرزی را طرد نموده است و ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های آنها را به اضمحلال کشانده است.

واژه‌های کلیدی: توسعه مرز محور، بازارچه‌های مرزی، توسعه محلی، اضمحلال ظرفیت‌ها و فرصت‌ها، اجتماعات مرزی

مقدمه و بیان مسئله

مرور ادبیات توسعه، حاکی از ارتباط موقعیت‌های مرزی با وضعیت توسعه‌نیافتگی است. برخی از نظریه‌پردازان معتقدند مناطق مرزی از نظر اقتصادی پیشرفت ندارند، اما از نظر تجاری دارای فرصت‌هایی هستند. بالا بودن ریسک سرمایه‌گذاری، عدم تعادل بین مناطق مرکزی و مرزی در امر توسعه و مخاطرات و تهدیدات نظامی-امنیتی مرزها، از جمله موانع مهم بر سر راه توسعه اقتصادی این مناطق محسوب می‌شود. این پیوستار چالش‌های فراروی این مناطق را تبدیل به امری انکارناپذیر نموده است. چالش‌های سیاسی و امنیتی مناطق مرزی از گذشته‌های دور تاکنون باعث است که سیمای این مناطق از نظر فرآیندهای توسعه‌ای و مظاهر آن، با کندی دگرگون شود و همواره در یک سطح از توسعه‌نیافتگی باقی بمانند. هژمونی این منطق در برنامه‌های توسعه این مناطق، آن‌ها را دچار یک دوسویگی مداوم کرده است. از یک سو، از مرز و پتانسیل‌های آن به مثابه یک فرصت یاد می‌کنند و از دگر سو، توسعه مناطق مرزی را با دیدی محتاطانه و با در نظر داشتن تهدیدها در نظر گرفته‌اند.

یکی از این برنامه‌های توسعه‌ای در مناطق مرزی ایجاد بازارچه‌های مرزی است، جایی که اهدافی مانند ایجاد اشتغال، کسب درآمد، افزایش رفاه مرزنشینان، توسعه روابط تجاری و ارتقا روابط سیاسی، فرهنگی و اقتصادی با کشورهای همسایه، ایجاد امنیت پایدار در مرزها، گسترش صادرات غیرنفتی، افزایش تولید واحدهای صنعتی شهرهای حاشیه مرز، ممانعت از شیوع قاچاق کالا، جلوگیری از مهاجرت مرزنشینان و تثبیت جمعیت مرزهای کشور، ورود ارز و افزایش درآمد ملی کشور، افزایش ارزش پول ملی، کاهش تورم داخلی و رشد سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی را برای این مناطق به تصویر کشیده‌اند. در ماده ۱۱ قانون مقررات صادرات و واردات مصوب ۱۳۷۲/۷/۴ و نیز در آیین‌نامه بازارچه‌های مرزی مصوب سال ۱۳۷۱ به‌تمام این موارد اشاره شده است (مهدی زاد، ۱۳۸۹: ۲۳).

در حال حاضر، ۵۰ بازارچه مرزی در ایران وجود دارند که بخش عمده این بازارچه‌ها در مرز با کشور عراق مستقر بوده و مابقی نیز در مرز مشترک ایران با کشورهای چون ترکیه، پاکستان، جمهوری آذربایجان، افغانستان، ارمنستان، ترکمنستان، حاشیه خلیج فارس، قطر و نخبجوان قرار دارند. بازارچه‌های مرزی فعال در کشور بر دو نوع‌اند: نوع اول بازارچه‌هایی است که بر اساس مجوز وزارت بازرگانی سابق تشکیل شده‌اند، مانند: بازارچه‌های کردستان، کرمانشاه، سیستان و بلوچستان و... که عموماً در مناطق محروم مرزی به‌منظور محرومیت‌زدایی، ایجاد اشتغال و درآمدزایی برای اهالی تشکیل شده‌اند. در مجموع ۲۴ بازارچه از این نوع در کشور وجود دارند. نوع دوم بازارچه‌هایی هستند که مجوز ایجاد آنها بر اساس مصالح ملی و تشخیص شورای امنیت ملی صادر می‌شود. این‌گونه بازارچه‌ها غالباً با نظر شورای یادشده در مکان و زمان معین ایجاد و منحل می‌شوند مانند بازارچه‌های مرزی در افغانستان که تعداد آنها نامشخص است (رضایی، ۱۳۸۹). استان کردستان، دارای ۵ بازارچه مرزی از نوع اول است که به‌منظور دستیابی به اهداف مورد اشاره ایجاد شده‌اند.

سؤال اساسی این است که این بازارچه‌ها تا چه اندازه در دستیابی به اهداف مدنظر طراحان آن از یکسو و شکوفایی و توسعه مناطق مرزی از سوی دیگر موفق بوده‌اند، این مسئله ارزیابی این سیاست توسعه‌ای را همواره با پرسش جدی‌تر کارآمدی یا فقدان اثربخشی آن روبرو ساخته است. پاسخ به این سؤالات منجر به اهمیت تغییر رویکردها و دیدگاه‌ها در باب توجه به تغییرات توسعه محلی و منطقه‌ای در مناطق مرزی غرب کشور شده است (موسوی و موسوی، ۱۳۹۰؛ احمدرش و همکاران، ۱۳۹۶؛ عندلیب و شریف، ۱۳۸۸؛ کریمی موعاری و براتی، ۱۳۹۶). در سطح عملی نیز چنان‌که داده‌های تجربی نشان می‌دهند در طول دوره‌های مختلف، این منطقه از کشور (استان کردستان) از لحاظ توسعه اقتصادی، اجتماعی و حتی انسانی جزء مناطق کمتر توسعه‌یافته کشور بوده و رتبه‌های آخر توسعه، همواره میراث این استان بوده است (پاک‌سرشت، ۱۳۹۵؛ کریمی موعاری و براتی، ۱۳۹۶؛ دیداری و همکاران، ۱۳۹۸؛ سلطانیان و مفاخری باشماق، ۱۳۹۸).

عدم توسعه‌یافتگی صنعتی در کنار اشتغال بالا در بخش کشاورزی با راندمان تولید پایین، روستاهای کوچک، وضعیت نامطلوب منابع پایه‌ای، فقدان ساختارهای مطلوب حمل‌ونقل، سطح پایین رفاه و امنیت (Bacsi, 2006: 486)، عمده‌ترین مشخصه‌های اقتصادی-اجتماعی روستاهای این مناطق است که زمینه را برای معضلات و نابسامانی‌هایی چون مهاجرت، قاچاق کالا، اعتراض و ناامنی فراهم آورده است (Ahmadypour, 2013: 72-73). این امر در معضلاتی همچون مسئله کولبری^۱، قاچاق کالا، عدم توسعه کشاورزی و دامداری، توسعه صنعتی، عدم ثبات کاری مرزنشینان و... خود را نشان داده است.

۱- در این شرایط بود که مجلس شورای اسلامی بهمن ماه همین سال (۱۳۹۶) طرحی دوفوریتی را برای رسیدگی و تأمین معیشت مرزنشینان (به ویژه کولبران) تصویب کرد. (به نقل از ایرنا، خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران تاریخ ۱۳۹۶/۰۶/۰۹؛ کد خبری ۸۲۶۵۰۲۷۹/۶۱۴۶۸۹).

با وجود اقدامات، برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های سازمان‌های ذی‌مدخل مانند: کارت پيله‌وری، کارت مرزنشینی روستاییان^۱، بازارچه‌های موقت و ... به‌ویژه در بحث ایجاد بازارچه‌های مرزی، این معضلات همچنان باقی‌مانده و حتی می‌توان گفت تشدید شده‌اند. بر این اساس توسعه استان کردستان، و به‌تبع؛ مناطق مرزنشین آن همواره توسعه مناطق مرزی را با خود حمل کرده است، امری که ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های توسعه‌ای این مناطق را زیر لوای این منطق، به اضمحلال کشانده است. سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که چگونه این اضمحلال صورت گرفته است و روایت ذی‌نفعان اصلی یعنی ساکنان این مناطق از این اضمحلال به چه شیوه‌ای است؟ شرایط علی و مداخله‌ای در این اضمحلال کدام‌اند و این امر چه پیامدهای را در برداشته است؟ چه راهبردهایی برای توسعه و به‌تبع آن، جبران کاستی‌های این مناطق انجام شده است و به چه نتایجی رسیده است؟

چارچوب مفهومی پژوهش

از زمان جنگ دوم جهانی به بعد استنباط غالب که مورد حمایت اکثریت دولت‌ها و مؤسسات بین‌المللی بود، توسعه را مترادف با رشد اقتصادی در چارچوب بازار آزاد می‌دانستند (توماس و همکاران، ۱۳۷۶: ۲۵۶). بنابراین، پارادایم توسعه‌ای که اصول اقتصاد توسعه را قانونی‌گریزناپذیر و عالم‌گیر ساخت، به تولید و رشد صرف توجه نمود. همزمان با انتقاد از این رویکرد که رویکرد نئوکلاسیک رشد یا تولیدگر نامیده می‌شود، گروهی توسعه را با مفهوم توزیع مجدد همراه با رشد برابر مطرح کردند. از اینجا به بعد زمینه‌های جدیدی فراهم شد تا توسعه در آن‌ها سیر کند. از همان زمان در

۱- در تاریخ ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۲ طرحی که در قالب کارت مرزنشینی به روستاهای مرزنشینی که در ۲۰ کیلومتری مرز قرار داشتند داده شد، فعالیت آنان در مرز، در چهارچوب بازارچه‌های مرزی و تعاونی‌های مرزنشین صورت می‌گیرد.

مطالعات توسعه منظور از توسعه، ارتقای کیفیت زندگی انسان‌ها شد (عنبری، ۱۳۹۰: ۱۵). این بحث مطرح شده در نظر همین گروه به خلق ادبیات جدید توسعه و نیز به مفاهیم نوین منجر گردید. از جمله این مفاهیم توسعه مشارکتی، توسعه بدیل، توسعه دیگر، توسعه پایدار و غیره بود که در آن‌ها به نقش و جایگاه انسان و فرهنگش توجه بسیاری شده است.

همچنان که آمارتیا سن خاطر نشان کرده است، برداشتی مناسب از توسعه به معنای فراتر رفتن توسعه از حیطه‌های افزایش ثروت و رشد تولید ناخالص ملی و سایر متغیرهای مربوط به درآمد است. بدون نادیده گرفتن اهمیت رشد اقتصادی ما باید به توسعه با دیدی فراخ‌تر بنگریم (سن، ۱۳۸۵: ۲۰). توسعه بدیل، با دیدگاهی جایگزین، سعی در پرکردن خلأهای توسعه و گسترده کردن دیدی مناسب با در نظر داشتن شرایط خاص هر مکان و منطقه دارد. همچنین فرآیند افزایش انتخاب‌های مردم، ارتقاء فرآیندهای مردم‌سالاری مشارکتی و توانایی مردم برای داشتن نقشی در تصمیماتی که به زندگی آن‌ها شکل می‌دهد، فرآیند ایجاد فرصت‌هایی برای مردم تا از تمام توان خود استفاده کرده و آن‌ها را بسط دهند، فرآیند توانا ساختن فقرا، زنان و غیره برای سازماندهی خود و همکاری با هم (Cowen & Shenton, 1996: 3). بنابراین اتخاذ هر گونه برنامه، استراتژی و راهبردی جهت توسعه مناطق باید از دیدی محلی و بومی اتخاذ و بهره‌برداری شده باشد. این امر را می‌توان در قالب توسعه محلی بسط و بکار گرفت.

توسعه محلی اهداف متنوعی را نظیر کمک به افراد اجتماع محلی برای شناسایی و برطرف کردن نیازها و خواسته‌های خودشان (Casey, 1999: 2)، حل مسائل محلی، ترویج دموکراسی و ایجاد حس اجتماع‌محور، ایجاد تغییرات مثبت در زندگی و تقویت بافت اجتماعی (Eversole, 2014: 2)، بهبود کیفیت زندگی اجتماعی محلی (Mohammad & Silong, 2010: 5)، برآورده کردن نیازهای روزمره و ایجاد رفاه و آسایش انسانی (Vargas, 2000: 3)، ایجاد اعتماد به نفس و روحیه زندگی اجتماع‌محور

در بین مردم، ایجاد انسجام در اجتماع محلی، فراهم کردن محیطی جذاب، پشتیبان و کارآمد با حداکثر دامنه انتخاب فردی برای جایی که مردم در آن زندگی و کار می‌کنند (Behzad & Ahamad, 2012: 4)، توانمند ساختن (Walker, 1982: 2)، اجتماعات محلی به حاشیه رانده‌شده با ظرفیت‌سازی، ایجاد اعتماد و پایداری شبکه‌های موجود در اجتماع محلی و بازسازی ساختارهای فیزیکی، اقتصادی، و اجتماعی آن (Zal et al., 2014: 6) دنبال می‌کند.

یکی از رویکردهای جدید به توسعه محلی، رویکرد دارایی مبنا می‌باشد. رویکرد سنتی به جای توجه به توانایی‌ها به نیازها توجه می‌کند و اراده‌اش معطوف به برآورد نیازهاست و از این رو کمرتزم آن را رویکرد نیاز مبنا نام می‌نهد که در مقابل رویکرد جدید یعنی دارایی مبنا قرار می‌گیرد. در رویکرد نیاز مبنا که متولی اصلی‌اش دولت است «نیازهای جامعه محلی از محل تفریق منابع موجود از منابع مورد نیاز به صورت دقیق تعیین می‌شوند. اتخاذ این رویکرد بر اساس سیاست استحقاق است و باعث فرو رفتن ساکنان اجتماع محلی در چرخه وابستگی می‌شود» (رضازاده و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۰). در مقابل، رویکرد جدید که بر توسعه دارایی مبنا استوار است گستره عمل دولت‌ها را محدود اما نگاه اجرایی دولت‌ها و نهادهای متولی را بازاری - سرمایه‌ای می‌کند.

در این رویکرد «سیاست‌های دارایی مبنا، مردم‌گرا، بر توانمندسازی به جای استحقاق تأکید دارد و از شناخت مسئولیت، پاسخگویی، مشارکت داوطلبانه و مکان مبنا بودن مایه می‌گیرد که این بر جامعیت آن دلالت دارد» (همان: ۴۰). بنابراین، رویکرد دارایی مبنا از سه ویژگی فرایندگرایی و تأکید بر ظرفیت‌سازی، جامع‌نگری و بسیج همه دارایی‌های محلی و رویکرد ابزاری به دارایی‌های محلی در تحقق اهداف آن برخوردار است (عارفی، ۱۳۸۰). در این رویکرد نگاه برنامه‌ریزی و مدیریت از پایین به بالا، مبتنی بر توانمندسازی، نگرش دارایی مبنا، تأکید بر منابع انسانی و سرمایه‌های اجتماعی و مشارکت جمعی ساکنان محله‌هاست (حاجی پور، ۱۳۸۵: ۳۸). با در نظر داشتن این

رویکرد علاوه بر اینکه به نقد توسعه نیازمنا و از بالا به پایین در مناطق روستایی پرداخته می‌شود، می‌توان به ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های این مناطق برای ایجاد توسعه محلی توجه داشت.

پیشینه تجربی پژوهش

محمدی و هوشنگی (۱۳۹۷) در مقاله تحلیلی بر "نقش بازارچه‌های مرزی در زیست‌پذیری نواحی روستایی (موردشناسی: دهستان‌های خاو و میرآباد و دزلی در غرب استان کردستان)" به این نتایج رسیده‌اند که بازارچه‌های مرزی تأسیس شده موجب ارتقای سطح قابلیت زیست‌پذیری روستاهای مورد مطالعه نسبت به دوره قبل از تأسیس شده‌اند و از سویی دیگر نیز در میان ابعاد چهارگانه زیست‌پذیری (اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و محیطی)، بُعد اقتصادی است که بیشترین تأثیر را در افزایش فضای زیست‌پذیر روستاها داشته است. همچنین شاخص بهبود وضعیت مسکن روستایی، ارزش زمین‌های روستا و افزایش درآمد روستاییان نیز دارای بیشترین اثرپذیری و بهبود وضعیت به دنبال تأسیس بازارچه‌های مرزی و فعالیت مردم محلی در آن‌ها هستند.

ویسی و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله "تحلیل اثر بازارچه‌های مرزی بر معیشت پایدار پس‌کرانه‌های روستایی (مورد مطالعه: بخش خاو و میرآباد شهرستان مریوان)"، به تحلیل اثر بازارچه‌های مرزی پیران و دره‌وران بر تأمین معیشت پایدار روستاییان بخش خاو و میرآباد شهرستان مریوان با روشی توصیفی تحلیلی و با جمع‌آوری اطلاعات از دو روش اسنادی و میدانی مبتنی بر مصاحبه، مشاهده و توزیع پرسشنامه در میان روستاییان پرداخته‌اند. نتایج آن‌ها حاکی از آن است که تأسیس بازارچه‌ها معیشت پایداری را برای روستاییان رقم زده است. همچنین تأسیس بازارچه مرزی با کاهش آسیب‌پذیری روستاییان در برابر بحران‌ها و شوک‌ها و تنوع معیشتی، زمینه‌ساز افزایش پایداری معیشت روستاییان شده است.

گافنی و همکاران^۱ (۲۰۱۶) در مقاله "کسب مشارکت شرکت‌های چند ملیتی در بازارچه‌های مرزی درحال ظهور: (MNE) (نقش فاصله اقتصادی و دانش)" به این نتیجه رسیده‌اند که سطح بیشتری از انتقال دارایی با توجه به هدف قرارداد سرمایه‌گذاری در کشورهایی که از نظر اقتصادی یا دانش از راه دور، ممکن است بخواهند در افزایش سطح مشارکت بیشتری شرکت داشته باشند.

لی‌بو آپائو و همکاران (۲۰۰۴) به بررسی "اثرات اقتصادی و اجتماعی تجارت مرزی و تأثیر آن در افزایش استانداردهای سطح زندگی مردم" در سه ایالت لائوس پرداخته‌اند. نتایج حاکی از آن است که تجارت مرزی به طور مستقیم و غیرمستقیم بر ساکنان محلی تأثیر دارد، که می‌توان به اشتغال و مبادله کالا از نظر اقتصادی اشاره کرد. باوجود بالا بردن استانداردهای کیفیت زندگی در مناطق مرزی، تأثیرات منفی اجتماعی از جمله عدم ثبات و امنیت اجتماعی، فروپاشی روابط و بازاری شدن از دیگر پیامدها هستند.

اشتراکات این پژوهش با پژوهش‌های ذکر شده از آن جهت است که توجه خود را به اثرات بازارچه‌های مرزی بر ساکنان مناطق روستایی و شهری پیرامون آن‌ها متمرکز نموده است. پژوهش‌های ذکر شده، دیدگاه‌های مختلف و تأثیرات اقتصادی و اجتماعی این بازارچه‌ها را ذکر نموده‌اند و این امر در شروع کار پژوهش حاضر نقشی اساسی داشته است. اما آنها یکی از راه‌های اصلی و مهم توسعه مناطق مرزی را بازارچه مرزی می‌دانستند و بدیل‌های موجود این مناطق را که پتانسیل‌ها و امکانات دیگر را لحاظ نماید نادیده انگاشته‌اند. همچنین آن‌ها کمتر به آسیب‌های بازارچه‌های مرزی توجه نموده‌اند و راهکارهایی را برای آن ارائه ننموده‌اند.

1. Gaffney et al
2. Leebouapao et al

روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق این پژوهش در سنت پژوهش کیفی و با استفاده از روش نظریه زمینه‌ای^۱ است. نظریه زمینه‌ای آن نظریه‌ای است که مستقیماً از داده‌هایی استخراج شده است که در جریان پژوهش به صورت منظم گردآمده و تحلیل شده‌اند (استراوس و کوربین، ۱۳۹۴: ۳۴). فرایند اصلی در تکنیک نظریه زمینه‌ای به عنوان روش تحلیل اطلاعات، فرایند کدگذاری، طبقه بندی داده‌های خام، استخراج مفاهیم و مقوله‌های اصلی و روابط بین آنها، در چارچوب یک تئوری محقق ساخته است که با توجه به شرایط و موقعیت پژوهش نسبت به ارائه آن اقدام می‌کنند. این فرایند، مبنای اصلی تمایز این شیوه از سایر روش‌های تجزیه و تحلیل اطلاعات در پژوهش کیفی است. بر این اساس، برای تحلیل اطلاعات در این شیوه، یعنی نظریه زمینه‌ای از سه شیوه کدگذاری شامل: ۱. کدگذاری باز^۲، ۲. کدگذاری محوری^۳ و ۳. کدگذاری انتخابی^۴ استفاده می‌شود (Cohen et al., 2007: 439).

در فرایند کدگذاری، واحد تحلیل «مفهوم» است (O'LEARY, 2004: 198). در این پژوهش، با توجه به هدف تحقیق، نمونه‌گیری هدفمند، اساس نمونه‌گیری بوده است. حجم نمونه را «اشباع نظری» آن تعیین می‌کند. از تکنیک مصاحبه نیمه ساخت‌یافته برای گردآوری داده‌های مورد نیاز استفاده شده است و ذی‌نفعان، دهیاران و شوراهای روستاها (۳۵ نفر) و همچنین کارشناسان و صاحب‌نظران (۱۰ نفر) در مورد مسائل مرز و بازارچه شرکت‌کنندگان ما در فرایند مصاحبه‌های ۶۰ تا ۹۰ دقیقه‌ای بوده‌اند. نمونه‌گیری با حداکثر تنوع یکی از راهبردهای ده‌گانه پاتن است (محمدپور، ۱۳۹۲) که برای انتخاب مشارکت‌کنندگان به کار گرفته می‌شود تا با استفاده از آن حداکثر تنوع موجود در میدان تحقیق در نظر گرفته شود.

-
1. Grounded theory
 2. Open coding
 3. Axial coding
 4. Selective coding

در پژوهش حاضر با پهنه‌بندی مناطق روستایی در دو دهستان یادشده، بر اساس بیشترین تشابهات و کمترین تفاوت‌های هر پهنه، سعی در انتخاب نمونه‌ها با راهبرد حداکثر تنوع شده است. بدین معنا که در هر پهنه، تعدادی از روستاها را که دارای درجه نزدیکی بیشتر به بازارچه‌ها - با فاصله ۲۰ کیلومتر از مرز و بازارچه - می‌باشند، را مشخص نموده‌ایم. سپس معیارهای دیگر را جهت پوشش حداکثری جامعه آماری مانند مقیاس جمعیتی (بزرگ و متوسط)، تجانس فرهنگی میان روستاها، تفاوت‌های موضوعی بازارچه‌ها و تاثیراتی آن‌ها (بر اساس تجارب زیسته پژوهشگران و اطلاعات اولیه) برای انتخاب نمونه‌ها لحاظ نموده‌ایم.

جدول ۱- روستاهای انتخاب شده به‌عنوان نمونه مطالعاتی پژوهش

پهنه‌ها	روستاهای دهستان خاو و میرآباد مریوان	جمعیت ساکن	فاصله از خط مرزی	روستاهای دهستان نور بانه	جمعیت ساکن	فاصله از خط مرزی (کیلومتر)
پهنه اول	باشماق	۵۵	۱	سرتزین	۷۵	۲
	خاو	۲۸۲	۱۰	هنگه زال	۱۶۲	۲
	قلقله	۱۰۱۰	۵	نور	۶۷۹	۱۰
پهنه دوم	سیف علیا	۶۳۳	۱۰	بروشکانی	۸۴	۳
	خانم شیخان	۱۸	۱	خوری آباد	۵۸۰	۱۷
	بایوه	۱۲۷	۵	کیله عباس آباد	۱۱۲۲	۱۵
پهنه سوم	سردوش	۱۵۵۰	۵	شیلمان	۶۵	۱۹
	سعد آباد	۴۱۲	۵	قولی آباد	۵۴	۱۵
	پیر صفا	۲۹۸	۷	اشترآباد	۱۸۵	۱۵
پهنه چهارم	کانی سفید	۳۱۰	۱۵	کانی سور	۴۱	۲۰
	دره وران	۳۳۷	۲۰	کانی شیلمه	۱۲	۲۰
	انجیران	۴۲۲	۲۰	ندر	۱۱	۲۰

منبع: مطالعات پژوهشگران (۱۳۹۹)، فرهنگ آبادی روستاهای استان کردستان (۱۳۹۵).

بر این اساس، در پژوهش حاضر پس از جمع‌آوری داده‌ها، با استفاده از تکنیک تحلیل تماتیک و کدگذاری‌های سه‌گانه در روش نظریه زمینه‌ای به تحلیل مقوله هسته آن پرداخته می‌شود. در این مرحله از تحلیل و ارائه نتایج، مقوله هسته در مرکز و به‌عنوان محور دیگر مقوله‌ها قرار خواهد گرفت و روابط میان مقولات دیگر نیز به تصویر کشیده می‌شود. نتیجه این عمل مدلی است که به مدل نظریه زمینه‌ای یا مدل پارادایمی مشهور است.

یافته‌های پژوهش

مفروضه اصلی این پژوهش حول این مقوله می‌چرخد که بازارچه‌های مرزی به‌عنوان راهکاری اساسی در تحول و پویایی مناطق مرزی نتایج مثبتی در مناطق مرزی استان کردستان نداشته‌اند و راه را برای انواع دیگر بدیل‌های توسعه‌ای، باز نگذاشته‌اند. با در نظر داشتن نقش و جایگاه بازارچه‌های مرزی در اقتصاد و اجتماع محلی و با تأکید بر نقد تأثیرات بازارچه‌های مرزی، به ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های اجتماعات محلی در زمینه توسعه اجتماع محور و مشارکتی می‌پردازیم.

جدول ۲- استخراج مفاهیم و مقولات اولیه نقش و جایگاه نقش و جایگاه اقتصادی بازارچه‌های مرزی

مقولات اولیه	مفاهیم	سؤال اصلی	کد مصاحبه
تقلیل کارکردهای بازارچه	در ایران مرز بانه مشهور شده است، عدم توجه اقتصادی به این منطقه به دلیل وجود بازارچه، نبود کارگاه‌ها و صنایع،... کمبود زیرساخت‌های اقتصادی، تخریب راه‌های ارتباطی روستاها، ناتوانی افراد محلی در شریک شدن در مبادلات کالایی در مرز، فقدان به رسمیت دانستن مرز سیرانند و بازارچه‌های موقت، وجود بازار سیاه، عدم تمایل سرمایه‌داران برای واردات اقلام اعلام شده به دلیل سود کم، اون کاربردهای خودش رو از دست داده، از وضعیت زیرساختی اینجا معلومه که توجهی بهش نمیشه، داشتن نگاه امنیتی و نظامی به مناطق، تخلیه روستاها به دلیل عدم خدمات و زیرساخت‌ها، عدم اجازه گمرک و بازارچه برای فروش محصولاتمون، عدم به کارگیری ما در امورات بازارچه...	توسعه این مناطق با تأکید بر نقش و جایگاه بازارچه‌های مرزی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟	نقش و جایگاه بازارچه‌های مرزی
عدم سرمایه‌گذاری اقتصادی و صنعتی	در زمین‌های قطعه قطعه شده ناشی از ارث بری، وجود ارتفاعات، کمبود زمین برای کشاورزی، خریدن زمین‌های کشاورزی و تبدیل آنها به خانه باغ، در دست داشتن زمین‌های مرغوب در دست خانواده‌ها، به زیر آب رفتن زمین‌های کشاورزی با ایجاد سد عباس‌آباد، پایین آوردن محدوده مرزی پاسگاه‌ها، ضبط دام‌های دامداران به بهانه پاسداری از مرز و ممانعت از خروج دام، ندادن مجوز و راه‌های سخت اداری و داشتن ضامن برای گرفتن وام، عدم تمایل ساکنان به گرفتن وام به دلایل مذهبی، ممانعت از حفر چاه، ممانعت از برداشت آب سد و دریاچه، ندادن مجوز به دامداری‌های چند راسی، نداشتن سرمایه ساکنان		
کمبود زیرساخت‌های اقتصادی	وجود زمین‌های قطعه قطعه شده ناشی از ارث بری، وجود ارتفاعات، کمبود زمین برای کشاورزی، خریدن زمین‌های کشاورزی و تبدیل آنها به خانه باغ، در دست داشتن زمین‌های مرغوب در دست خانواده‌ها، به زیر آب رفتن زمین‌های کشاورزی با ایجاد سد عباس‌آباد، پایین آوردن محدوده مرزی پاسگاه‌ها، ضبط دام‌های دامداران به بهانه پاسداری از مرز و ممانعت از خروج دام، ندادن مجوز و راه‌های سخت اداری و داشتن ضامن برای گرفتن وام، عدم تمایل ساکنان به گرفتن وام به دلایل مذهبی، ممانعت از حفر چاه، ممانعت از برداشت آب سد و دریاچه، ندادن مجوز به دامداری‌های چند راسی، نداشتن سرمایه ساکنان		
طرد نهادی گمرک و بازارچه	وجود زمین‌های قطعه قطعه شده ناشی از ارث بری، وجود ارتفاعات، کمبود زمین برای کشاورزی، خریدن زمین‌های کشاورزی و تبدیل آنها به خانه باغ، در دست داشتن زمین‌های مرغوب در دست خانواده‌ها، به زیر آب رفتن زمین‌های کشاورزی با ایجاد سد عباس‌آباد، پایین آوردن محدوده مرزی پاسگاه‌ها، ضبط دام‌های دامداران به بهانه پاسداری از مرز و ممانعت از خروج دام، ندادن مجوز و راه‌های سخت اداری و داشتن ضامن برای گرفتن وام، عدم تمایل ساکنان به گرفتن وام به دلایل مذهبی، ممانعت از حفر چاه، ممانعت از برداشت آب سد و دریاچه، ندادن مجوز به دامداری‌های چند راسی، نداشتن سرمایه ساکنان		
عدم سرمایه‌گذاری در بخش‌های کشاورزی و دامداری	وجود زمین‌های قطعه قطعه شده ناشی از ارث بری، وجود ارتفاعات، کمبود زمین برای کشاورزی، خریدن زمین‌های کشاورزی و تبدیل آنها به خانه باغ، در دست داشتن زمین‌های مرغوب در دست خانواده‌ها، به زیر آب رفتن زمین‌های کشاورزی با ایجاد سد عباس‌آباد، پایین آوردن محدوده مرزی پاسگاه‌ها، ضبط دام‌های دامداران به بهانه پاسداری از مرز و ممانعت از خروج دام، ندادن مجوز و راه‌های سخت اداری و داشتن ضامن برای گرفتن وام، عدم تمایل ساکنان به گرفتن وام به دلایل مذهبی، ممانعت از حفر چاه، ممانعت از برداشت آب سد و دریاچه، ندادن مجوز به دامداری‌های چند راسی، نداشتن سرمایه ساکنان		
عدم فروش محصولات روستاییان و وجود بازار دلالی	وجود زمین‌های قطعه قطعه شده ناشی از ارث بری، وجود ارتفاعات، کمبود زمین برای کشاورزی، خریدن زمین‌های کشاورزی و تبدیل آنها به خانه باغ، در دست داشتن زمین‌های مرغوب در دست خانواده‌ها، به زیر آب رفتن زمین‌های کشاورزی با ایجاد سد عباس‌آباد، پایین آوردن محدوده مرزی پاسگاه‌ها، ضبط دام‌های دامداران به بهانه پاسداری از مرز و ممانعت از خروج دام، ندادن مجوز و راه‌های سخت اداری و داشتن ضامن برای گرفتن وام، عدم تمایل ساکنان به گرفتن وام به دلایل مذهبی، ممانعت از حفر چاه، ممانعت از برداشت آب سد و دریاچه، ندادن مجوز به دامداری‌های چند راسی، نداشتن سرمایه ساکنان		
عدم رغبت به استفاده از منابع زمین	وجود زمین‌های قطعه قطعه شده ناشی از ارث بری، وجود ارتفاعات، کمبود زمین برای کشاورزی، خریدن زمین‌های کشاورزی و تبدیل آنها به خانه باغ، در دست داشتن زمین‌های مرغوب در دست خانواده‌ها، به زیر آب رفتن زمین‌های کشاورزی با ایجاد سد عباس‌آباد، پایین آوردن محدوده مرزی پاسگاه‌ها، ضبط دام‌های دامداران به بهانه پاسداری از مرز و ممانعت از خروج دام، ندادن مجوز و راه‌های سخت اداری و داشتن ضامن برای گرفتن وام، عدم تمایل ساکنان به گرفتن وام به دلایل مذهبی، ممانعت از حفر چاه، ممانعت از برداشت آب سد و دریاچه، ندادن مجوز به دامداری‌های چند راسی، نداشتن سرمایه ساکنان		
تصرف زمین توسط سرمایه‌داران و هنگ مرزی	وجود زمین‌های قطعه قطعه شده ناشی از ارث بری، وجود ارتفاعات، کمبود زمین برای کشاورزی، خریدن زمین‌های کشاورزی و تبدیل آنها به خانه باغ، در دست داشتن زمین‌های مرغوب در دست خانواده‌ها، به زیر آب رفتن زمین‌های کشاورزی با ایجاد سد عباس‌آباد، پایین آوردن محدوده مرزی پاسگاه‌ها، ضبط دام‌های دامداران به بهانه پاسداری از مرز و ممانعت از خروج دام، ندادن مجوز و راه‌های سخت اداری و داشتن ضامن برای گرفتن وام، عدم تمایل ساکنان به گرفتن وام به دلایل مذهبی، ممانعت از حفر چاه، ممانعت از برداشت آب سد و دریاچه، ندادن مجوز به دامداری‌های چند راسی، نداشتن سرمایه ساکنان		

<p>شرایط توپوگرافی منطقه</p>	<p>برای دامداری، هزینه بالای تهیه علوفه برای دام، پیشینه شکست طرح‌های دامداری و کشاورزی، عدم حمایت مسئولان بازارچه‌ها برای صادرات محصولات کشاورزی به کردستان عراق، نبود صنایع تبدیلی و فروشگاه‌های مربوطه در روستاها، عدم گرایش جوانان به دامداری و کشاورزی، خریدن زمین‌های کشاورزی و تغییر کاربری آنها، ناکافی بودن آموزش‌های اشتغالزایی و نبود حمایت نهادی بعد از آموزش‌ها،</p>	
<p>هزینه‌های بالا در مناطق</p>	<p>هزینه‌های گران ناشی از صادرات کالاهای اولیه و خوراکی، نبود فروشگاه‌ها و مراکز خرید در روستاها،</p>	
<p>عدم سرمایه‌گذاری در روستا و مهاجرت به شهر</p>	<p>عدم فروش محصولات روستاییان در بازارچه، در بعضی از روزها هیچ خوراکی‌ای گیر نمیاد، در بعضی وقت‌ها میوه کیلویی هزار تومن و کمتره، هزینه با</p>	
<p>تداوم معضلات کولبری</p>	<p>دخلمون نمی‌خونه، عدم امکانات رفاهی و بهداشتی در بازارچه، ممانعت از اشتغال‌های ثابت و با مهارت،</p>	
<p>سیاست‌های حامی پروانه</p>	<p>کارگری فصلی و موقتی، درآمد ناکافی، تعدد دلان و اشتراکات آن‌ها با بازارچه‌ها، همه سود به جیب دلال</p>	
<p>افزایش بی‌سوادی و ضعف فرهنگی</p>	<p>میره، مرز وابسته به دلان، کالاهای صادراتی از جاهای نامعلومی میاد، بازارچه هیچ نقشی در تأمین مایحتاج ما نداره، مردم هرچی پول داشتن توی شهر خونه و ماشین و.. خریدند، توی شهر سرمایه حفظ میشه و خودش یه نوع سرمایه‌گذاریه، افزایش</p>	
<p>ناکارآمدی سیاست‌ها و اقدامات جایگزین بازارچه و کولبری</p>	<p>مددجویان کمیته و بهزیستی، وابسته بودن مردم به نهادهای حمایتی، فلج شدن کولبران، شکسته شدن دست و پا ناشی از کولبری، کشته و زخمی شدن کولبران ناشی از شلیک هنگ مرزی، بی‌کاربرد بودن کارت سوخت و کارت مرزنشینی، عدم شفافیت در سیاست‌ها، ناکارآمدی تعاونی مرزنشینان</p>	

منبع: یافته‌های پژوهش (۱۳۹۹)

کمیود زیرساخت‌های توسعه‌ای - شرایط علی و مداخله‌ای

نگاه غالب به فعالیت‌های اقتصادی همواره تمرکز بر روی مبادلات بازرگانی و ایجاد بازارچه‌های مرزی بوده است جایی که می‌تواند به‌عنوان دروازه‌های اقتصادی عمل کرده و محرک خوبی برای افزایش مبادلات رسمی، شکوفایی مزیت‌های نسبی و گسترش همکاری‌ها و توسعه بازارهای بین‌منطقه‌ای، تثبیت قیمت‌ها، جهت‌دهی سودهای تجاری، افزایش اشتغال و رفاه برای جامعه روستایی مرزنشین عمل نماید. بنابراین بازارچه‌ها را نمود عینی این امر مفروض گرفته‌اند که می‌تواند ضعف اقتصادی موجود در محدوده مرزها را جبران و از خالی شدن روستاهای حاشیه مرزها جلوگیری نمایند. با استناد به مصاحبه‌های انجام شده و مشاهدات محققین، این کاربردها به حداقل رسیده است و بازارچه‌ها، کمترین نقش را در موارد ذکر شده دارند. این بازارچه‌ها، صرفاً به صادرات چند اقلام محدود شده‌اند.

” الان چند سالی است که فقط مواد غذایی به اقلیم کردستان صادر می‌کنیم. طبق توافقاتی صورت گرفته این بازارچه صرفاً خروجی داره و این مواد را در اینجا فقط صادر می‌کنیم و سود زیادی هم برای ما نداره... شاید باور نکنید که سود سالانه ما کمتر از ۲۰ میلیارد بوده است... ما خیلی کم واردات داشته‌ایم و پوله‌وران و تاجران کمتر استقبال می‌کنند از اقلام اعلام شده توسط گمرگ “ (سوری، مدیر بازارچه مرزی سیرانند). ” صادرات بیشترین فعالیتی هست که ما هم‌اکنون انجام می‌دهیم... آن هم تابع سیاست‌هایی است که از بالا اعمال می‌شود... بازارچه الان بیشتر سوخت، مصالح ساختمانی و میوه‌جات در آن صادر می‌شود... “ (کریمی، کارمند در بازارچه مرزی باشماق مریوان).

آنچه لازم است به آن اشاره شود هیچ کالا یا خدماتی از جانب روستاییان در بازارچه به فروش نمی‌رود و حتی محصولات دامی و کشاورزی آنها برای صادرات با ممانعت روبرو می‌شود.

” اصلاً نمیزارن به اون محوطه بریم. من پارسال چندتا غاز رو برده بودم

بفروشم به کوردهای عراق. نداشتند حتی در اونجا دستفروشی کنیم. حتی کردهای عراق دوست داشتند از ما خرید کنند و غسل طبیعی بخرند. باور می‌کنید توی ایست و بازرسی جلوشون رو گرفتند و چند کیلو غسل رو نداشتن ببرن. مسئولان هم می‌دونستن که مال ماست و اینها....“ (قادری، دهیار روستای پیرصفا). ”اصلاً بازارچه هیچ سودی برای ما نداشته است. نه محصولاتمون رو می‌تونیم اونجا بفروشیم نه هیچی فقط ۵ نفر از روستاهای دوروبر هم اونجا کار می‌کنند... این چند سال فقط با کامیون صادر می‌کنند میوه و سبزیجات و اینها رو. دیگه چه سودی واسه ما داره همه‌اش واسه سرمایه‌داران مرکز نشین هستش و تبریز و ارومیه ... ما اصلاً نمی‌تونیم اونجا محصولاتمون رو بفروشیم...“ (مرادی، دهیار روستای ننور)

این درحالی است که سود ناشی از صادرات، عایدی نصیب مرزنشینان نمی‌کند. نتایج حاصل از مصاحبه‌ها حاکی از آن است که کمترین مزیتی ناشی از صادرات نصیب مرزنشینان نشده است. دهیار روستای سردوش در این باره چنین می‌گوید:

”باور کنید تا به حال هیچ عایدی از جانب گمرک به ما نرسیده است. همه بدبختی‌هاش برای ماست.... جاده خراب شده... آشغال می‌ریزن و حومه بازارچه‌ها رو ببینید می‌فهمید من چی میگم... کمکی به ما واسه عمران و آبادی این روستاها نشده است... حتی نمیزارن بریم بار خالی کنیم و کارگری هم بکنیم توی بازارچه... همین پسر من الان دو روزه میره واسه بار خالی کردن و دست خالی برمی‌گرده میگه صاحب بارها کارگر خودشون رو دارن و نمیزارن ما بریم اونجا“ (دانش، رئیس شوارای بخش خاوا و عضو هیئت مدیره تعاونی مرزنشینان).

یکی از موضوعات بسیار مهم طرد روستاییان توسط گمرک و بازارچه‌ها است. این طرد به صورت طردی ساختاری جلوه‌گر است. به این ترتیب که با وجود درآمدهای

گمرگی^۱ در مرز باشماق و سیرانبند، حمایت و همکاری با روستانشینان در کمترین حالت خود بوده است.

نگاه صرف اقتصادی به این منطقه باعث شده است تا خسارت‌ها و آسیب‌های اجتماعی به حاشیه رفته و مورد پیگیری قرار نگیرند. با کاهش سلطه و تأثیر بازارچه‌ها بر اقتصاد ساکنان این نواحی، چهره واقعی و قابل لمس این آسیب‌ها بیشتر هویدا می‌شود. منطق توسعه مرز محور و استراتژی ایجاد بازارچه‌های مرزی برای توسعه این مناطق و در پی آن، رشد آماری سود حاصله از تجارت در این بازارچه‌ها، مانع اصلی سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف اقتصادی در این مناطق است.

همچنین رابطه نگاه امنیتی با عدم سرمایه‌گذاری در این مناطق در پیوندی ناملموس منجر به تأکید بلامنازعه بر استقرار بازارچه‌ها و عدم سرمایه‌گذاری شده است. از سویی دیگر، متولی همه بخش‌های اقتصادی در مرزها دولت است و راه‌های سرمایه‌گذاری با قبض و بسط نگاه‌ها و سیاست‌های دولتی گره خورده است. این امر، از نگاه ذی‌نفوذان ملموس‌تر خودنمایی می‌کند. آن‌ها وجود بازارچه‌ها را مانع تحقق سرمایه‌گذاری و توجه به اشتغال می‌دانند.

”نگاه حاکمیت به این منطقه همیشه توأمان بوده با امنیت. این مسئله خط قرمز بوده برای حکومت. این بازارچه‌ها هم واسه همین استقرار پیدا کرده بودند که تأمین امنیت کنند... و اصلاً به فکر مردم و اشتغال این مناطق نیستند. نه کارخانه‌ای نه کارگاهی نه سرمایه‌گذاری‌ای... الان چند سال است که حتی یه طرح و برنامه‌ای برای اجرا کردن در این منطقه نداشته‌اند“ (محمدی، شورای روستای بروشکانی). “ببینید منطقه بانه و این دهستان به تجارت مرزی مشهور

۱- برای مثال بنگرید به این خبر به نقل از سایت فراتاب نیوز. (www.faratab.com), سهم گمرک رسمی باشماق میوان از صادرات ۸۵ درصد و دارای نمره عملکردی مدیریتی ۲۰ در ۹ ماه اخیر سال است. این خبر در تاریخ ۲۷/۰۷/۱۳۹۶ با شناسه خبری ۵۶۵۵۱ منتشر شده است.

شده است اما همین امر باعث شده است که کمترین اقدام برای توسعه پایدار این مناطق انجام شود. نگاه کنید در این مناطق فقط چند جا داریم که کار تولیدی می‌کنند. وجود بازارچه فکر همه رو بسته و اصلاً به فکر انجام هیچ کاری بجز این نیستند، یا منتظر هستند مرز باز بشه و یا میرن کولبری می‌کنند که الان چند سال است بعد از بسته شدن بازارچه موقت هنگه‌ژال از سال ۱۳۹۶ تا الان هیچ اقدامی برای اشتغال و کارآفرینی و... در این منطقه نشده است...." (گوهری، شواری سرتزین دهستان نور).

صرف وجود بازارچه‌ها و به تبع حاکم شدن نگاه توسعه مرز محور سبب گردیده است توجه کمتری به زیرساخت‌ها انجام شود و این مناطق صرفاً به دلیل تجاری شدن از جنبه‌های دیگر توسعه‌ای محروم گشته‌اند.

اضمحلال بخش کشاورزی و دامداری (پیامدها)

نبود حمایت‌های دولتی، قطعه قطعه شدن زمین‌ها ناشی از حق ارث‌بری، کوچک بودن زمین‌ها و عدم صرفه اقتصادی، ایجاد سد عباس‌آباد و به زیر آب رفتن زمین‌های مرغوب پایین دست روستاهای دهستان نور، ایجاد خانه‌باغ‌ها و گسترش سرمایه‌داری مستغلاتی، تصرف زمین توسط منطقه ویژه اقتصادی و بازارچه مرزی سیران‌بند، در دست داشتن زمین‌های پایین دست در دست خانزاده‌ها و ممانعت هنگ مرزی و ایجاد خط محدوده مرزی و... از جمله مهم‌ترین عواملی هستند که کشاورزی و دامداری این مناطق را به اضمحلال کشانده‌اند.

"ما اینجا زمین برای کشاورزی خیلی کم داریم... یا به زیر سد رفته‌اند یا اینکه این زمین‌های پایین دست روستای عباس‌آباد در دست خانزاده‌ها هستند و در اونجا خانه باغ ساخته‌اند که صرفاً برای تفریح خودشون است... اینجا زمین‌ها رو زودتر خانزاده‌ها و سرمایه‌دارها به تصرف خودشون درآوردند و یا با قیمت بسیار ناچیزی خریده‌اند و الان اونو نمی‌فروشند یا اگر هم بفروشند با قیمت بالا

می‌فروشد که مردم عادی توان خرید آن را ندارند...“ (صالحی، رئیس شورای بخش نور).

عدم حمایت‌های دولتی از طرح‌های کشاورزی و دامداری از مهم‌ترین عواملی است که رغبت مردم را کاهش داده است. در کنار این مهم نداشتن سرمایه و توان مالی، آنها را از انجام کار کشاورزی و دامداری بازداشته است. این درحالی است که نهادهای متولی توسعه با سخت‌گیری در مجوز دادن، پروانه کسب، عدم اختصاص زمین و جلوگیری از استفاده از آب چاه و آب سد، مانع بهره‌برداری منابع این مناطق شده‌اند.

”من می‌خواستم یه دامداری کوچک بزنم. در ابتدا درخواست وام کردم گفتند باید چندتا ضامن بیاری و بیای خودمون بهت دام بدیم و کارشناس بیاریم و اینها... منصرف شدم از گرفتن تسهیلات و وام‌های دولتی... اومدم خودم یک سالن ساختم و مجهزش کردم واسه چند تا رأس دام... بعد رفتم دنبال مجوز و پروانه ساخت و... ده بار اومدن بهم گیر دادن که فلان کار رو بکن و فلان کار رو بکن آخرش هم مجوز رو ندادن و پروانه ساخت رو هم ندادن... الانم کارم نامومه و بی استفاده مونده...“ (صالحی، رئیس شورای بخش نور). ”الان می‌خوایم یک چاه بزنیم آب منطقه‌ای نمیزاره... بارها درخواست کرده‌ایم... حتی چند تا از چاه‌ها رو در اینجا پر کرده‌اند. یک بار آب منطقه‌ای میاد نمیزاره یک بار به خاطر آب زریبار میراث فرهنگی و گردشگری میاد نمیزاره... اصلاً همه برای ما شاخ و شونه می‌کشن... خب ما آب از کجا بیاریم واسه کشاورزی و دامداری...“ (کسرابی، مطلع کلیدی و دهیار روستای ینگچه).

یکی از موانع اصلی عدم گرایش مردم به دامداری، پایین آوردن خط محدوده مرزی در دهستان‌های نور و خاو و میرآباد است. به زعم مطلعین، این کار چند سالی است اتفاق افتاده و زمین‌های مرتع را جزء محدوده ممنوع مرز قرار داده‌اند. برای نمونه روستای بروشکانی در دهستان نور تنها ۲ کیلومتر زمین مرتع در پشت روستا دارد و مابقی جزء زمین‌های محدوده هنگ مرزی شده است. در روستای دره‌وران دهستان خاو و میرآباد مریوان هم به این شیوه است و باعث نارضایتی مردم و دامداران شده است.

آنچه مسئله مهم است ضبط دام‌های دامداران است. به گفته مطلعین، این کار به بهانه‌هایی همچون ورود دام‌ها به محدوده و خروج عمدی دام‌ها و فروش آنها در کردستان عراق می‌باشد.

”این اتفاق که محدوده مرزها رو پایین آوردند بدون اطلاع مردم بوده است و خودشون محدوده رو تعیین کردند... الان روستای ما نزدیک به شصت درصدش رو این مراتع تشکیل می‌داد که جزء محدوده مرز شده است. تابلوهایی گذاشتند که مردم و حیوانات نباید از اون بالاتر برن... معضلی که ایجاد کرده آینه که دام‌ها رو چند باری ضبط کرده‌اند. خب با این وجود واقعاً کسی آگه بخواد دامداری کنه ناامید میشه فکرش رو بکنید این آقا دو سال بود که این دام‌ها رو پرورش می‌داد... همه زحمتش رو بر باد داد...“ (احمد پور، دهیار روستایی بروشکانی).

در دهستان خاو و میرآباد هم وضعیت چنین است با این تفاوت که رونق سطح کشاورزی و دامداری این مناطق نسبت به مناطق دهستان نور، مطلوب‌تر می‌باشد. اما مصاحبه‌ها حاکی از آن است که مردم این مناطق هم به شدت در هزینه‌های بالای زندگی درمانده هستند و بازارچه باشماق و وضعیت دلالی را مسبب این امر می‌دانند.

”محصولاتی که ما اینجا تولید می‌کنیم خیلی ارزان می‌فروشیمون چون اکثر محصولات کشاورزی‌ای که ما تولید می‌کنیم در سراسر ایران همه تولید میشه و به بازارچه میارن برای صادرات و اینها... می‌بینی که برای دلال بیشتر اون محصولات می‌صرفه تا مال ما و ما مجبوریم خودمون در مسیر جاده و با دستفروشی و با قیمت نازلتری بفروشیم...“ (احمدی، معتمد در روستای کانی سفید)

نکته مهم کمبود زیرساخت‌های کشاورزی و دامداری است. وجود انبارها، سردخانه‌ها و صنایع تبدیلی برای نگهداری و فراوری محصولات کشاورزی و دامی از ملزومات مهم این صنعت به نسبت پایدارتر در قیاس با فعالیت‌های مرزی است. با توجه به پتانسیل‌های دشت مریوان_ خاک حاصلخیز و آب فراوان_ برای کشاورزی و

رغبت مردم برای تولید محصولات کشاورزی صنعتی و نیمه صنعتی، کمبود این زیرساخت‌ها موجب شده است که کشاورزی به شیوه سنتی انجام شود و بازدهی تولید محصولات هم پایین باشد.

”ما اینجا سالانه چند صد هزار تن انگور تولید می‌کنیم. اینجا اونا می‌فروشیم چهار هزار تومن به دلالا و اونا میبرن می‌فروشنش به ۱۲ هزار تومن یعنی سه برابر سود می‌کنن. خب دلایلش چه... اینکه ما پس اندازی نداریم و مجبوریم که زود محصولاتمون رو بفروشیم تا خراب نشده... نمیزارن که صادر کنیم به کردستان عراق... سردخانه و انبار و صنایع تبدیلی هم که نداریم پس مجبوریم اونا رو به دلالا بفروشیم و سودشو اونا ببرن...“ (ابراهیم سردوشی، رئیس شورای روستای سردوش).

یکی از شرایط مداخله‌ای و علی که مانع رغبت ساکنان به کشاورزی و دامداری شده است تاثیرات مرز و بازارچه بر معیشت روستاییان می‌باشد. در سال‌های قبل از بسته شدن بازارچه‌های موقت و کولبری، درآمد اصلی مناطق مرزنشین مورد نظر از این راه تأمین می‌شد و درآمد آبی، کافی و بدون سرمایه‌گذاری‌ای را برایشان فراهم نموده بود. این ذهنیت چنان در ذهن ساکنان رسوخ کرده است که تمایل چندانی به کشاورزی و دامداری و... ندارند.

”درآمد کار در مرز و بازارچه خوب بود. همه راضی بودند و کسی محتاج کار کشاورزی و دامداری و شغل‌های دیگه نبود تا اینکه اونا بستن. الان مردم واقعاً براشون نمی‌صرفه که این کار رو از صفر شروع کنن و دلیل دیگه‌اش اینکه بهشون برمی‌خوره مخصوصاً جوانان که کارهای دامداری و اینها بکنند...“ (قادری، دهیار و عضو هیئت مدیره تعاونی مرزنشینان خاو و میرآباد). ”اون موقع درآمد بازارچه‌ها خوب بود برامون. کسی کار کشاورزی و دامداری و اینها نمی‌کرد. چون سود این بارهایی که می‌آوردیم خیلی بیشتر بود و همون جا بهمون می‌دادن پول حمل بارها رو. الان مردم هم بدشون میاد بشینن و کار دامداری و اینها بکنند. اونا موقع شبی دوپست سیصد تومن درآمد داشتن الان

میگن بشینیم برای چندرغاز پول کشاورزی و...“ (علی ویسی، دهیار روستای خوری آباد).

یکی از مهم‌ترین مسائل در روستاها به‌ویژه روستاهای دهستان خاو و میرآباد و روستای عباس‌آباد بخش نور بالا رفتن بیش از اندازه قیمت مسکن، زمین و تغییر کاربری اراضی کشاورزی است. آنچه از مصاحبه‌ها استخراج گردید، دو علت اصلی مسبب این امر می‌باشد: یکی مهاجرت معکوس از شهرهای بانه و مریوان به روستاها که همزمان با رونق بازارچه‌های موقت مرزی بوده است و یا فشارهای اقتصادی وارده بر خانواده‌ها در شهرها که به روستای خود باز گشته‌اند و دیگری خریدن زمین‌های داخل و اطراف روستاها توسط سرمایه‌داران و دلالت می‌باشد که عمدتاً از اهالی آن روستاها هستند که در شهر زندگی می‌کنند و این منازل و ملک‌ها بیشتر جنبه تفریحی و در حکم سکونت‌گاه‌های ثانویه می‌باشند.

آنچه در این مناطق به‌ویژه روستاهای نزدیک به شهر مریوان قابل تشخیص است، وجود یک بازار مستغلات است. سرمایه‌داری مستغلات، یکی از انواع سرمایه‌داری است که در آن سرمایه برای کسب سود بیشتر، به جای ایجاد خلاقیت و رقابت در تولید کالا و خدمات، به سوداگری یا بورس بازی زمین و مسکن اختصاص داده شده و موجب تضعیف فعالیت‌های مولد می‌شود. این نوع سوداگری به زمین و مسکن، خصلت "ارزش‌داری" می‌بخشد. بورژوازی مستغلات، در غیاب یا ضعف سرمایه‌داری صنعتی، مالی و یا بازار، ظهور می‌کند و به سان قدرتی تازنده اقتصاد را در سیطره خود قرار می‌دهد. ویژگی اساسی این نوع از سرمایه‌داری جریان داشتن در مسیرهای نامرئی و ارتباط تنگاتنگ با شعار « کار کمتر، پول بیشتر » است (افراخته و همکاران، ۱۳۹۵). با استناد به مصاحبه‌ها، می‌توان چنین گفت که نتایج کار محمدی و هوشنگی (۱۳۹۷)، در رابطه با تاثیرات بازارچه‌های مرزی به شیوه‌ای دیگر باید مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. این امر ابعاد اجتماعی این پدیده را در برنمی‌گیرد و شاخص‌ها نمی‌توانند گویای نابرابری اجتماعی روستاها و مناسبات درون آنها باشند.

انزوای فرهنگی - اجتماعی (پیامدها)

کمبود امکانات در روستاهای مورد مطالعه در دهه‌های اخیر سبب مهاجرت و تخلیه آنها شد (بنگرید به سایت آمار کشور، سرشماری نفوس و مسکن: ۱۳۹۵؛ شایان و کهنه پوشی، ۱۳۹۲؛ نصیری هندخاله و همکاران، ۱۳۹۵). یکی از مهم‌ترین دلایلی که باعث مهاجرت از روستاها به شهرهای مریوان و بانه شد، کسب درآمد آنی از بازارچه‌های مرزی و کولبری بود که باعث شد روستاییان به جای سرمایه‌گذاری در روستاها، به شهرها مهاجرت کرده و عمدتاً سرمایه خود را در خرید خانه و زمین صرف کنند. در مقابل، روستاها با کمبود جمعیت، کمبود اشتغال و در نهایت با عدم زیست‌پذیری مواجه هستند. زیست‌پذیری مفهومی است که بر قابلیت سکونت‌پذیری مکان تمرکز دارد. سکونتگاه‌های روستایی از جمله مکان‌هایی هستند که توجه به زیست‌پذیری بودن آنها ضروری است؛ زیرا سبب جلوگیری از مهاجرت‌های روستایی، خالی شدن روستاها، حفظ روستاها به‌عنوان لکه‌های حیات و نبض اقتصاد ملی و... می‌شوند.

”مردم رغبتی به سرمایه‌گذاری در روستا نداشتند؛ چون نمی‌خواستند پول‌شون رو در اینجا سرمایه‌گذاری کنن که سودی براشون نداره. همین باعث شد الان ده‌ها خونه مخروبه داریم توی روستا، هیچ کارگاه و هیچ جایی برای کار کردن نداریم.... خیلی کم پیش اومده کسی در اینجا سرمایه‌گذاری بلند مدت بکنه...”
(خدای‌مرادی، شورای‌ننور).

این امر تأثیر فراوانی در برخورداری از امکانات، مهاجرت تحصیل‌کنندگان و جوانان به شهر و در پی آن کاهش تحصیلات^۱ در این گذاشته است. مطلعین در این باره چنین می‌گویند:

۱- بر اساس آمارهای سال ۱۳۹۵ در شهرستان بانه، کمترین درصد جمعیت افراد در حال تحصیل در بخش ننور (۱۴،۴۸) است که این نسبت برای مردها ۱۶،۸۲ و برای زن‌ها ۱۲،۱ است. همچنین در شهرستان مریوان، کمترین

”اینجا امکانات کمه، جمعیت روستاها کم شده است. من خودم دیگه نمی‌خوام دخترم را بفرستم بوئین یا شهر بانه چون هم هزینه‌برداره برامون و مجبوریم ماهانه پول سرویس و ... بدیم. از طرف دیگه‌ای بستشه تا کلاس هفت خونده و می‌تونه بخونه و بنویسه دیگه برای چشمه...“ (امید خوری‌آبادی، رئیس شورای روستای خوری‌آباد). اینجا امکانات کمه، مردم میرن شهر و به روستا کم توجه شدن... مرز و بازارچه باعث تخلیه روستاها شدن و الان هم مخارج زیاده و مردم هم که کاری ندارن تو روستا و اصلاً دیگه براشون نمی‌صرفه ... به روستاها توجهی نمیشه متأسفانه... (دادرس، شورای آبادی‌های تخلیه در خاو و میرآباد).

بنابراین وجود بازارچه‌های مرزی در این مناطق مردم را به سوی مشاغل سوق داده است که موقتی و با درآمد آنی می‌باشند مانند: کولبری - که درصد بالایی از مردم این مناطق مشغول این کار هستند - پیله‌وری و دلالی و... می‌باشند. این امر موجب شده است که تمرکز از پتانسیل‌های محلی و ظرفیت‌ها برداشته شود و ساکنان به سوی درآمدهای ناشی از بازارچه‌ها و مرز چشم بدوزند.

”ما همیشه فکر می‌کردیم که این بازارچه‌های مرزی باز هستند... این چند سال برای مردم خوب بود و همه به نان و نوایی رسیده بودند اما یهو بازارچه‌های موقت رو بستن و مردم هم بعدش کاری نمی‌کردند و منتظر باز شدن مرز بودند اما الان سه ساله که بازارچه‌های موقت مرزی رو بستند... این دو سه سال هر چی پس‌انداز داشتن رو خوردن و الان هم قیمت‌ها بالا رفته که واقعاً توی مخمصه افتاده‌اند... جوانان ما نه مهارتی دارن نه اینجا کشاورزی و دامداری درست و حسابی داره نه هیچی...“ (اسماعیل، دهیار روستای هنگه‌ژال)

در سال ۱۳۸۳ به بعد با رشد بازارچه مرزی و تبدیل آن به گمرک رسمی مرزی و سهولت ارتباط با اقلیم کردستان عراق، عملاً علاوه بر گسترش تبادلات اقتصادی مرزی و بالطبع با گسترش پاساژهای خرید و فروش کالاهای خارجی، حجم زیادی از مسافرین داخل ایران و نیز اقلیم کردستان عراق را به خود جذب کرده است. نتیجه این تغییرات سریع اقتصادی و رشد بازارچه‌ها و پاساژها حک‌شدگی اقتصادی این مناطق بود. به این صورت که مناطق بانه و مریوان به‌عنوان مناطق اقتصادی شناخته شدند و همه برنامه‌ها، طرح‌ها، تبلیغات و... زیر لوای این حک‌شدگی قرار داده شد. آنچه که در این حک‌شدگی به چشم نیامد شرایط زندگی اجتماعات محلی بوده است. این نگاه، باعث شده است ناکامی‌ها، شکست برنامه‌ها، ضعف فرهنگی، معضلات کولبری و... نادیده گرفته شوند. بنابراین، این موقعیت حک‌شدگی اقتصادی منجر به پایین آوردن سرمایه‌های فرهنگی شده است.

به تعبیر پی‌یر بوردیو^۱ (۱۹۸۶) باید گفت که تسلط بر میدان اقتصادی حکم پیروزی بر سایر میدان‌ها را داشته است که با این وصف غلبه بر یک میدان اقتصادی باعث مغلوب شدن در میدان‌های دیگر به‌ویژه میدان فرهنگی شده است. با این اوصاف، نتیجه‌ای که حاصل گردیده است تسلط فرهنگ شهری و مصرفی، کاهش همبستگی اجتماعات روستایی و از بین رفتن ارزش‌ها و فرهنگ محلی است و مهمتر این‌که روابط اجتماعی زیر لوای روابط اقتصادی جای گرفته است به این شیوه که روابط، مبادله‌ای شده است. بنابراین «در عوض اینکه اقتصادی بودن در روابط اجتماعی جای بگیرد، روابط اجتماعی در نظام اقتصادی جای گرفته است» (پولانی، ۱۳۹۱: ۶۰). با در نظر داشتن این یافته‌ها می‌توان گفت که این امر نتیجه‌ای عکس از نتایج پژوهش ویسی و همکاران (۱۳۹۶) را در بردارد. به این صورت که بازارچه‌ها باعث پایداری معیشت روستاییان نشده و تاثیرات مخربی برجای گذاشته‌اند.

1. Bourdieu, p

نکته‌ای که وجود دارد مربوط به عدم حمایت کارآفرینان روستایی و عدم مشارکت نخبگان محلی در سیاست‌ها و برنامه‌ها می‌باشد. این امر موجب شکست طرح‌ها و اقدامات این افراد در این وضعیت اقتصادی شده و ناامیدی و عدم جذب ساکنان به کارهای تولیدی را سبب شده است.

”هیچ حمایتی نشده است تازه مانع هم می‌شوند. من خودم می‌خواستم پرورش بوقلمون رو در زمینم راه بیندازم. یک سال دنبال مجوزش بودم... مجوز آب و برق و ... شاید باور نکنید چند بار رفتم و اوادم و سر آخر بهم ندادن... گفتند باید برق سه فاز بگیری و نمی‌تونن از آب چاه استفاده کنی و اینها بالاخره چون زمینمون زمین خوبی بود و قیمت مناسبی هم داشت اونو فروختم الان بعد از دو سال برو همون زمین رو نگاه کن. یک ویلا توش ساختن دور و بر زمین رو چراغونی کردن و پمپ آب گذاشته و چاه زدند و ... همش پارتی بازی شده است و کسی که بخواد کاری انجام بده حمایتش نمی‌کنند... (قادری، دهیار روستای پیرصفا). ”ما را به هیچ جلسه‌ای دعوت نمی‌کنند، بخشداری و فرمانداری کار خودش رو می‌کنه و ما فقط انگار هیچ کاره‌ایم. اما وقتی چیزی هم بشه میگن شورا و دهیار باید جوابگو باشه“ (راستی، دهیار روستای دروران).

این امر، منجر به مهاجرت جوانان و نخبگان محلی می‌شود و از سویی دیگر کاهش اشتغال، کاهش سرمایه‌گذاری و به تبع وابستگی به کولبری و... از جمله پیامدهای آن می‌باشد.

ناکارآمدی در سیاست‌های ترمیمی (شکست راهبردهای اتخاذ شده)

کولبری به‌عنوان پدیده‌ای متورم از همه آسیب‌ها؛ بیکاری، فقر و ضعف فرهنگی و... نماد بارز شکست برنامه‌ها، سیاست‌ها و اقداماتی است که برای مرزنشینان به ارمغان آورده است. بازارچه‌ها نه تنها نتوانسته‌اند بر این مسئله فائق آیند بلکه آن را نیز

تشدید نموده‌اند. نگاهی به آمار بیکاری در این دو دهستان حاکی از تأیید این ادعاست. این امر، زاده فقر چندبعدی و گسترده‌ای است که گریبانگیر این مناطق شده است. توصیف و تحلیل بیکاری به راحتی پرده از وضعیت نابسامان، عقب ماندگی و انزوای این مناطق برمی‌دارد که پیش‌تر با وجود بازارچه‌ها نامرئی مانده بود. با این وصف، کولبری آسیب‌های جدی و بلندمدتی را روی اقشار این مناطق گذاشته است. این آسیب‌ها، شامل روحی، جسمی، اجتماعی و هویتی و جنسی و... می‌شود. برای بحث از آسیب‌های جسمی می‌توان اشاره نمود به دو مورد، یک مورد که ناشی از حمل بار و افتادن از کوه و دره و... بوده و دوم شلیک و تیراندازی هنگ مرزی به سوی کولبران است.

”مسئله‌ای که هست آینه که واقعاً هنگ مرزی بی‌محابا شلیک می‌کنه... همین دیروز دو نفر رو زخمی کردن در مرز سرتزین... مستقیماً شلیک می‌کنند و براشون مهم نیست که بزنی یا نزنن کسی رو، الان توی روستای ما چند نفر فلج داریم، چند نفر پا و دستشون رو از دست دادن و... دیسک کمر یکی از مهم‌ترین آسیب‌هایی است که الان شاید شایع شده است“ (گوهری، شورای سرتزین). ”به نظر من صدمات روانی و اجتماعی کولبری خیلی شایع‌تر و مهم‌تر هستند. الان همه این کولبران اعتماد به نفسشون رو از دست داده‌اند. وقتی یک مأمور یا یه سرباز با کول روی شونه‌ات با لگد بهت می‌زنه و تهدیدت میکنه که می‌کشمت چه جور اعتماد به نفس واسه آدم می‌مونه...“ (کریمی، معتمد روستای باشماق).

معضلات و آسیب‌های ناشی از کولبری باعث وابسته شدن روستاییان به حقوق مستمری نهادهای ذی‌ربط و تداوم این حمایت‌ها شده است. نهادها به جای ارائه طرح‌های اشتغالزایی، بیشتر به پرداخت این مستمری اکتفا نموده‌اند. یکی از سیاست‌هایی که برای کاهش آسیب‌های ناشی از توسعه نیافتگی و شکست طرح‌ها در این مناطق بیشتر مورد توجه قرار گرفته است، سیاست‌های حامی پرورانه است. این

سیاست‌ها از طریق نهادهایی چون بهزیستی، کمیته و استانداری در این مناطق اجرا شده‌اند. این سیاست‌ها با ارائه بسته‌های حمایتی و معیشتی، به عضو درآوردن ساکنان روستاها و اختصاص مستمری ناچیز در صدد جبران خسارت‌ها و کاهش معضلات مردم این مناطق هستند. به گفته مصاحبه‌شوندگان آمار اعضای که هر ساله به عضو سازمان بهزیستی و کمیته امداد در می‌آیند روبه فزونی است.

“نگاه کنید هر ساله که کولبران زخمی می‌شوند، زنان بی سرپرست می‌شن، جوانان به هر دلیلی کار نمی‌کنند میرن درخواست عضو شدن می‌دهند و اونا رو عضو می‌کنن و ماهانه بهشون پولی واریز میکنن و هیچ احتیاجی به کار و فعالیت ندارند... عملاً دارن گداپرووری می‌کنن...” (کهنه پوشی، معتمد در روستای بایوه). “هر ساله به آمار ما افزوده می‌شود... جالب آینه که سیاست کمیته امداد آینه که این افراد تحت کفالت ما مستقل بشن و بتونن خودشون کار بکنند و کم کم وضعیتشون بهتر بشه و به مستمری ما احتیاجی نداشته باشند. متأسفانه تا اکنون خیلی کم پیش آمده است که بیان و بگن که ما دیگه به پول کمیته امداد نیازی نداریم...” (عسکری، معاون کمیته امداد شهرستان بانه).

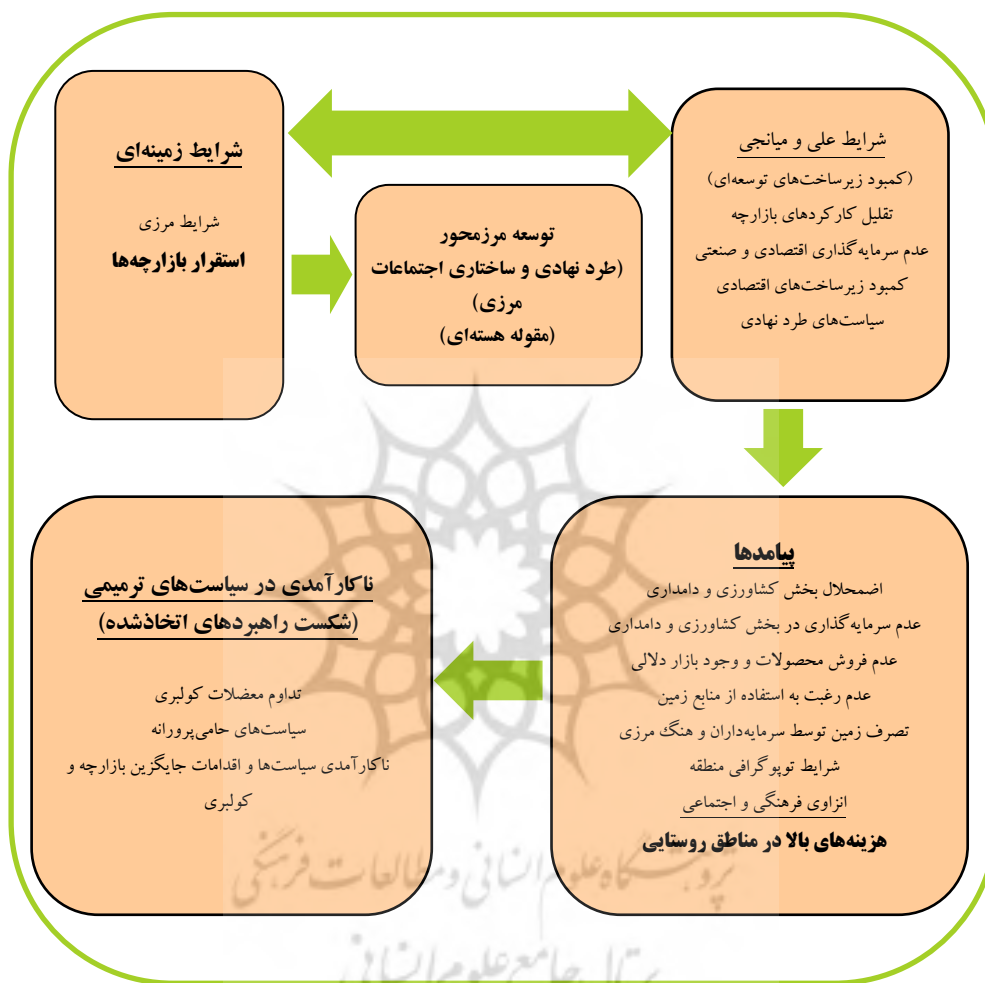
باوجود در نظر داشتن نتایج لی‌بو آپائو و همکاران (۲۰۰۴)، در تأثیر مرز و بازارچه‌های مرزی در بالا بردن استانداردهای کیفیت زندگی در مناطق مرزی، می‌توان چنین گفت که تأثیرات منفی در درازمدت خود را نشان داده‌اند و این مناطق را با انزوای اقتصادی - اجتماعی مواجه کرده‌اند. اما اقداماتی که برای کاهش تأثیرات مخرب مرزنشینی و به‌تبع بازارچه‌ها در این مناطق شده است، نه تنها راه به جایی نبرده است بلکه خود مسبب عوارض دیگری هم شده است. ساماندهی معابر کولبری، تأسیس تعاونی‌های مرزنشینان، کارت سوخت مرزنشینان، کارت الکترونیکی مرزنشینی جزو اقداماتی بوده‌اند که برای بهتر نمودن رفاه مرزنشینان انجام شده است. اما یافته‌ها، حاکی از آن است که این اقدامات بدون کارکرد بوده و حتی وضعیت را بدتر نموده‌اند.

طرد نهادی و ساختاری اجتماعات مرزی (مقوله هسته‌ای توسعه مرز محور)

حک‌شدگی اقتصاد مرزی و سود چند ساله ناشی از بازارچه‌های مرزی و کولبری منجر به نادیده انگاشتن و پنهان نمودن معضلات اساسی در روستاها شده است. به تبعیت از کارل پولانی^۱ می‌توان خاطر نشان ساخت که «کنار گذاشتن آرمان شهر بازار ما را با واقعیت جامعه مواجه می‌کند» (پولانی، ۱۳۹۱: ۲۶۷). واقعیت‌هایی که نمود عینی آن در کمبود امکانات و زیرساخت‌ها، اضمحلال بخش‌های کشاورزی و دامداری و همچنین شکست سیاست‌های توسعه‌ای و حمایتی در مناطق مرزنشین قابل مشاهده است. با توجه به این مقولات می‌توان از حاکم شدن منطق توسعه مرزی و به تبع آن، عدم توجه ساختاری و نهادی به روستاها سخن به میان آورد. بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و سرمایه‌های اجتماعات روستایی با هدف مشارکت در فرایند اقدامات توسعه‌ای که با محوریت مردم و دولت انجام می‌شود، ضمن بسترسازی و عملیاتی کردن رویکرد مردم‌گرای توسعه پایین به بالا؛ بر ناهمواری‌ها و موانع غلبه کرده و عملکرد مناسبی در تحقق اهداف پیش‌رو در بر خواهد داشت. سهیم شدن مردم در توسعه، به کاهش هزینه‌های متفاوت ناشی از عدم مشارکت و مقاومت سنتی در برابر تغییرات و پیامدهای جانبی آن خواهد انجامید (ایمانی جاجرمی و عبدالله‌پور، ۱۳۹۷: ۲۱۶). این امر در مناطق روستایی مورد مطالعه، متحقق نشده است و تبعات آن خود را در کمبود زیرساخت‌های توسعه‌ای، اضمحلال بخش کشاورزی و دامداری، انزوای فرهنگی-اجتماعی و ناکارآمدی سیاست‌های ترمیمی نشان داده است. که می‌توان الگوی منطقی این امر را به این شیوه نشان داد.

1. Polanyi, k

شکل ۱- مدل مفهومی داده‌بنیاد توسعه مرز محور با تأکید بر بازارچه‌های مرزی



منبع: یافته‌های پژوهش (۱۳۹۹)

نتیجه‌گیری

نگاه غالب در مباحث توسعه‌ای، نگاه از بالا به پایین، آمرانه و توجه صرف به شاخص‌های رشد بوده است. این نوع نگاه ساختارها و مناسبات اجتماعی جوامع، ظرفیت‌ها، پتانسیل‌ها، دانش بومی و نیروهای اجتماعی را در نظر نمی‌گیرد. هدف اساسی در این رویکرد، پیشرفت و رشد اقتصادی صرف بود. شکست برنامه‌های توسعه به‌ویژه در کشورهای جهان سوم، اندیشمندان و برنامه‌ریزان این حوزه را به فکر انتقاد به رویکردهای غالب توسعه به‌ویژه نظریه نوسازی و ارائه توسعه‌های بدیل انداخت. همزمان با این انتقادات یکی از مهم‌ترین مسائلی که در مباحث توسعه‌ای مطرح گردید، بحث از کیفیت زندگی آدمیان بود که باید از طریق توسعه ارتقا یابد. در جهان سوم این انتقادات بیشتر تحت تأثیر دیدگاه‌های پساستعماری بعد از استقلال، خود را نشان داد. و توسعه مشارکتی، اجتماع محور و از پایین به بالا مدنظر قرار گرفت.

این امر، توجه را به اجتماعات محلی، دانش بومی، مناسبات و راهکارهای بومی و محلی مبذول داشته است. با وجود این، توسعه مشارکتی و محلی بیشتر را در مباحث نظری و کمتر در میدان عمل، به اجرا درآمده است. در این میان مناطق مرزی، غالباً مناطقی با کارکردهای امنیتی - تجاری نگریسته شده‌اند. غالب پژوهش‌های انجام‌شده نیز در حوزه توسعه مناطق مرزی با این نوع نگاه گره خورده‌اند. نگاهی دوآلستی که یا این مناطق را دارای فرصت و امتیاز می‌داند یا اینکه با دیده تهدید و تردید بدان می‌نگرد، نگاه حاکم بر وضعیت این مناطق است. تأسیس بازارچه‌های مرزی در این میانه جای دارد. تعریف کاربردهای مثبت بازارچه‌ها، تأکید بر آنها به‌عنوان محور توسعه، هرگونه انتقاد و تعریف نوع دیگری از توسعه را بسته و غیرممکن، متصور شده است. اما واقعیت طور دیگری رقم خورده است.

آنچه در این پژوهش‌ها و نگاه غالب به مرز و مناطق مرزی مغفول مانده است، در نظر داشتن اجتماعات محلی با ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصاد بومی است.

استان کردستان، به‌عنوان استان مرزی دارای بازارچه‌های مرزی رسمی باشماق مریوان و سیرانبند بانه می‌باشد. بازارچه‌های مرزی موقت سیف سقر، مله خود سروآباد، هنگه‌ژال بانه، پیران مریوان در سال‌های اخیر، دایر بوده و بر اجتماعات مناطق مرزی تأثیر زیادی گذاشتند. خیل مطالعات و تحقیقات انجام شده در زمینه ارزیابی‌های اقتصادی و اجتماعی این بازارچه‌های مرزی نشان از تأثیرات مثبت و منفی آنها بر مناطق مرزی دارد. اما آنچه که در اکثر این مطالعات دیده می‌شود سنگینی کفه ترازوی تأثیرات مثبت بازارچه‌های مرزی بر اجتماعات مرزی است. با وجود همه اینها، یکی از مفروضات این پژوهش حول آن چرخیده است که با وجود بازارچه‌های مرزی و ادعاهای تعریف شده برای تأثیرات آنها به‌ویژه در زمینه اقتصادی کماکان استان کردستان و به‌ویژه مناطق مرزی و حتی آن مناطقی که بازارچه‌های در آن استقرار یافته‌اند، از کم توسعه‌یافته‌ترین مناطق کشور می‌باشند؟

می‌توان این ادعا را در مورد مناطق روستایی استان کردستان چنین مطرح نمود که با وجود بازارچه‌های مرزی و تأثیرات مثبت آن، چرا باز شاهد مهاجرت روستاییان، بیکاری، تشدید قاچاق و مهمتر از همه، تداوم کولبری به‌عنوان پدیده‌ای متورم هستیم. منطق این امر را باید در مقوله‌ای اساسی "مرز و توسعه مرز محور" به‌عنوان «هیتوس»^۱ محور توسعه و برنامه‌ریزی شهرستان‌های مرزی استان کردستان جستجو نمود. از طرف دیگر برخی از گزاره‌ها در گفتمان مسئولان، تصمیم‌گیران و ساکنان روستاها مورد برجسته‌سازی قرار می‌گیرد و تلاش بر این است تا آن گزاره به‌عنوان گزاره غالب توسعه روستاهای شهرستان‌های مرزی مورد پذیرش قرار گیرد. برجسته‌سازی دسترسی به مرز و انجام مبادلات مرزی و یا برجسته‌سازی طرح‌های کولبری، باوجود پتانسیل بالای این مناطق در بخش کشاورزی و دامی، گردشگری و صنعت، دال بر این مدعاست. بنابراین گزاره‌هایی که سعی در ارائه توسعه بدیل دارند

همواره مورد "حاشیه‌رانی"^۱، "غایب‌سازی"^۲ و "غیریت‌سازی"^۳ قرار گرفته‌اند. حاشیه‌رانی، غایب‌سازی و غیریت‌سازی بعضاً به‌وسیله گزاره‌هایی همچون شرایط توپوگرافی، نبود صنایع تبدیلی و یا کم بودن خدمات و زیرساخت‌ها در روستاها، عدم مشارکت و ناتوانی مرزنشینان در طرح‌های توسعه‌ای صورت می‌گیرد تا پوششی گردد برای توجیه توسعه‌نیافتگی و تداوم معضلاتی همچون کولبری. با در نظر داشتن عدم حمایت و سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف اقتصادی، زیرساختی، صنعتی و گردشگری در این مناطق و عدم اجرای طرح‌ها، آموزش‌های حداقلی و طرد نخبگان و دانش بومی می‌توان از نبود توسعه حمایتی سخن گفت. توسعه‌ای که بدون حمایت نهادهای دولتی به سبب نداشتن مهارت، توانایی مالی و وجود محدودیت‌های نهادی غیر ممکن است. این امر، همچنین موازی با طرد ساختاری و نهادی روستاییان است. طردی که با عدم سرمایه‌گذاری به‌ویژه در تولید و حمایت از کشاورزی و دامداری، فراهم نکردن زیرساخت‌های اقتصادی و مشارکت ندادن نخبگان و جوانان در تصمیم‌گیری‌ها، پارتی بازی، ممانعت نهادی در تولید و سخت‌گیری در ارائه تسهیلات و عدم توجه به مسئله بیکاری و... خود را نشان داده است. نگاهی به وضعیت صنایع و تولیدات صنعتی و کارگاه‌ها و مراکز خدماتی و رفاهی دال بر این مدعا است. این امر، اجتماعات مرزی را به سمت وابستگی شدید به کولبری، کشانده است. سیاست‌های حامی پروانه در اتخاذ راهکارهای جبران این طرد، از جمله عضویت روبه افزایش روستاییان و دادن حقوق مستمری نهادهایی دولتی چون کمیته امداد و بهزیستی و... نه تنها به بهبود معیشت ساکنان این مناطق منجر نشده است بلکه این وابستگی آن را از اتخاذ راهکارها، اقداماتی در جهت برون‌رفت از این وضعیت درمانده کرده است.

-
1. Marginalization
 2. Absent
 3. Othering

منابع

- احمدشرش، رشید؛ احمدی، هیوا و عبده‌زاده، سیروان. (۱۳۹۶)، «مطالعه انتقادی سیاست‌های توسعه اقتصادی مناطق مرزی کردستان»، همایش بین‌المللی برنامه‌ریزی اقتصادی، توسعه پایدار و متوازن منطقه‌ای رویکردها و کاربردها، ۱۳ و ۱۴ اردیبهشت، سنندج.
- اشتراوس، انسلم و کوربین، جولیت. (۱۳۹۴)، *مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای*، ترجمه: ابراهیم افشار، جلد دوم، تهران: نشر نی.
- افراخته، حسن؛ منافی‌آذر، رضا و ولانی، محمد. (۱۳۹۵)، «اثرات مکانی فضایی مهاجرت بازگشتی در شهرستان میاندوآب» *مجله پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی*، سال ۵، شماره ۱: ۸۳-۹۸.
- ایمانی‌جاجرمی، حسین و عبدالله‌پور، جمال. (۱۳۹۷)، «واکاوی مبانی مشروعیت اقتدار نخبگان سنتی روستایی در راهبری توسعه اجتماع محلی (مورد مطالعه: اجتماعات روستایی شهرستان سردشت)»، *فصلنامه توسعه محلی (روستایی_شهری)*، دوره ۱۰، شماره ۲: ۲۱۵-۲۳۸.
- پاک‌سرشت، سلیمان. (۱۳۹۵)، *مسئله‌شناسی راهبردی در استان کردستان*، تهران: مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری.
- پولانی، کارل. (۱۳۹۱)، *دگرگونی بزرگ؛ خاستگاه‌های اقتصادی و سیاسی روزگار ما*، ترجمه: محمد مالجو، تهران: نشر شیرازه.
- توماس، جی جی؛ راثول، ریسکاویچ و وینچنزو سیستو. (۱۳۷۶)، *اقتصاد غیررسمی*، ترجمه: منوچهر نوریخس و کامران سپهری، تهران: انتشارات موسسه تحقیقات پولی و بانکی، چاپ اول.
- حاجی‌پور، خلیل. (۱۳۸۵)، «برنامه‌ریزی محله مبنا رهیافتی کارآمد در ایجاد مدیریت شهری پایدار»، *مجله هنرهای زیبا*، شماره ۲۶: ۳۷-۴۶.
- دیداری، چنور؛ محسنی، رضاعلی و بحرانی، محمد حسین. (۱۳۹۸)، «بررسی عوامل مؤثر بر توسعه نامتوازن در استان کردستان با تأکید بر شاخص‌های توسعه اقتصادی»، *دو فصلنامه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه*، سال هشتم، شماره ۲: ۱۶۷-۱۹۷.
- رضازاده، راضیه؛ محمدی‌آیدغمیش، فاطمه و رفیعیان، مجتبی. (۱۳۹۲)، «توسعه اجتماع محلی با بهره‌گیری از ظرفیت‌های مشارکتی در رویکرد دارای مبنا»، *فصلنامه باغ نظر*، شماره ۲۵: ۳۷-۵۵.
- رضایی، محمد. (۱۳۸۹)، تأثیر بازارچه‌های مرزی بر رشد فیزیکی و اقتصادی_اجتماعی شهری مجاور؛ مورد بازارچه مرزی باشماق مریوان، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه یزد.
- سایت پایگاه اطلاع‌رسانی دولت. (۱۳۹۶)، <http://dolat.ir>

- سایت خبرگزاری جمهوری اسلامی. (۱۳۹۶). www.irna.ir.
- سایت فراتاب نیوز. (۱۳۹۶_۱۳۹۷). www.faratab.com.
- سایت مرکز آمار ایران. (۱۳۹۵). <https://www.amar.org.ir>.
- سلطانیان، شریف و مفاخری باشماق، جمیل. (۱۳۹۸)، «شناسایی شرایط علی تأثیرگذار بر توسعه اقتصاد مرزی (مورد مطالعه استان کردستان)»، *دو فصلنامه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه*، سال ۸، شماره ۲: ۲۸۰-۳۱۰.
- سن آمارتیا. (۱۳۸۵)، *توسعه به‌مثابه آزادی*، ترجمه: وحید محمودی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران: چاپ سوم.
- شایان، حمید و کهنه‌پوشی، سید هادی. (۱۳۹۲)، «بررسی علل مهاجرت‌های روستا شهری در بخش خاو و میرآباد شهرستان مریوان»، *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی*، شماره ۳: ۱۱۶-۱۴۱.
- عارفی، مهیار. (۱۳۸۰)، «به سوی رویکرد دارائی مینا برای توسعه اجتماع محلی»، ترجمه: نوین تولائی، *مجله هنرهای زیبا*، شماره ۱۰: ۲۲-۳۳.
- عنبری، موسی. (۱۳۹۰)، *جامعه‌شناسی توسعه از اقتصاد تا فرهنگ*، تهران: نشر سمت.
- عندلیب، علیرضا و مطوف، شریف. (۱۳۸۸)، «توسعه و امنیت در آمایش مناطق مرزی ایران»، *فصلنامه باغ نظر*، شماره ۱۲: ۵۷-۷۶.
- فرهنگ آبادی‌های استان کردستان. (۱۳۹۵).
- کریمی موغاری، زهرا و براتی، جواد. (۱۳۹۶)، «تحلیل سطح نابرابری منطقه‌ای استان‌های ایران: تحلیل شاخص ترکیبی چندبعدی»، *فصلنامه پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*، سال ۷، شماره ۲۶: ۴۹-۷۰.
- محمدپور، احمد. (۱۳۹۲)، *روش تحقیق کیفی ضد روش*، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- مهدی زاد، صباح. (۱۳۸۹)، *تحلیل بازتاب‌های سیاسی فضایی بازارچه‌های مرزی (نمونه موردی: بازارچه مرزی باشماق مریوان)*، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه فردوسی مشهد.
- موسوی، میر نجف و موسوی، سید محمد. (۱۳۹۰)، «نقش راهبردی توسعه مناطق مرزی در تحقق سند چشم‌انداز کشور»، *یازدهمین کنگره جغرافیدانان ایران*، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

- نصیری هند خاله، اسماعیل؛ جلالیان، اسحاق و احمدی، علی. (۱۳۹۵)، «تحلیل نقش مبادلات مرزی در توسعه شهری، مطالعه موردی شهر مرزی بانه»، *فصلنامه علوم و فنون مرزی*، دوره ۷، شماره ۴: ۱۳۵-۱۶۶.
- هدایت، عثمان. (۱۳۹۶)، تجربه کولبران مرزنشین و سیاست‌های گمرکی (مورد مطالعه؛ کولبران شهرستان مریوان)، *همایش ملی جامعه‌شناسی مرز: سیاست‌های توسعه و حیات اجتماعی مرزنشینان*، سندج.
- ویسی، فرزاد؛ قربانی، محمد صدیق و داستوار، عدنان. (۱۳۹۶)، «تحلیل اثر بازارچه‌های مرزی بر معیشت پایدار پس‌کرانه‌های روستایی (مورد مطالعه: بخش خاو و میرآباد شهرستان مریوان)»، *فصلنامه پژوهش‌های روستایی*، دوره ۸، شماره ۳: ۵۱۹-۵۳۵.

- _ Ahmadypour, Zahra. (2013). "The Role Of Border Markets In Regional Security Case study: Bashmagh Border Market in Marivan, iran." *Journal of Geopolitics Quarterly*, 8 (4), 72-92.
- _ Bacsi, Zsuzsanna, and Ernő. Kovács. (2006), "The role of cross-border cooperation in rural development-a new European perspective." *Journal of Central European Agricultureon*, 7 (3), 485-488.
- _ Behzad, S, and N. Ahamad. (2012). "the role of the community in communities development: promotion of self-depend through education." *African Journal of Business Management*, 6(49).
- _ Bourdieu, Pierre. (1986). *The forms of capital. Handbook of theory and research for the sociology of education*. JG Richardson." JG Richardson." *New York, Greenwood*, 241 (258), 19.
- _ Casey, Dymna. (1999), "community development in the third world: wolking a fine line." *Development in Practice*, 461-467.
- _ Cohen, Louis., Manion Lawrence, and Morrison Keith. (2007). *Research Methods in Education*, London: Routledge.
- _ Cowen, M, and P. Shenton. (1996), "Doctrines of Development, Routledge. Shaw JW, Johnson JA, Coons SJ. US valuation of the EQ- 5D health states: Development and testing of the D valuation model." *Med Care*, 43 (3): 203-20.
- _ Creswell, W. john. (2007). *Qualitative inquiry and researchdesign, sagepublications*, sage.
- _ Denscombe, Martyn. (2007). *the Good Research Guide*, Berkshire." England: McGraw-Hill Education.

- _ Eversole, R. (2014). *knowledge partnering for community development*, Vol. 5, Routledge.
- _ Gaffney, N., Karst, R. and Clampit, J. (2016). "Emerging market MNE cross-border acquisition equity participation: The role of economic and knowledge distance." *International Business Review*, 25(1), 267-275.
- _ Leebouapao, L., S. Phonesaly, S. Phetsamone, D. Souphith, and N. Vanthana. (2004). *Lao PDR cross border economy, case study in Dansavanh, Savannakhet, and Houaysai/Tonpheung*, Lao PDR.
- _ Mohammad, M, and Silong. A. D. (2010), "leadership roles in community development in Malasia." *Journal of Global Business Management*, 6(2), 1.
- _ O'larey, Zina (2004). *The essential guide to doing research*. Sage Publications.
- _ Vargas, C. M. (2000), "community development and micro – enterprises: fostering sustainable development." *Sustainable Development*, 8(1), 11-26.
- _ Walker, D. L. (1982), "community development specialist." *music educator's journal*, 69(2), 69.
- _ Zal, W.; Omar, M.; Saleh, H. and S. A. Halim. (2014). *the vulnerability of community capitals as a threat to Orang Kuala community development in Malaysia*, Sage Open.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی